

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم "اسیر"

۲۹ اگست ۲۰۱۴

زمانه پرفته!!

شاعر یا ناظم و شناخت کلمات؟

در آشفته بازار وطن که بندها از هم گسیخته، سیلاب خودخواهی و قومپرستیها بنای مودت و برادری را از بنیاد ویران ساخته است، هیچ کس به کسی تن نمیدهد، هرکدام از خود نظری دارد و آن نظر اثری، توازن دقیق و حقیقی را میان خواسته ها و برداشتهای مختلف نگهداشتن، مهارت و جسارت خاص به کار دارد. شما صادقانه چیزی بگوئید، بنویسید، از کسی نقل قولی نکنید، یا مقوله ای را بیان کنید، خوانندگان یا شنوندگان قبل از آن که به ماهیت گفتار شما توجه نمایند، آنرا میکوشند دریابند نویسنده یا گوینده از کدام قوم، مذهب، حزب و تنظیم است و به که تعلق دارد؛ قضاوت هم از همانجا شروع میشود و تاپه های وابستگیها در دامن چسپانده و با ناشایسته ترین کلمات اهانت آمیز، حتی چون برادران انتحاری آزرده خاطر کرزی، کمر به انتحار شخصیت طرف میبندند.

من که از دوران مصیبت هفت ثور و روزگاران اندوهبار مهاجرت و غربت و اقامت در المان که از آن پوره سی و یک سال میگذرد، همیشه در کنار مردم شریف خود قرار داشته و کوشیده ام به زبان شعر، درد همه را که در حقیقت درد جانکاه خود من است، انشاد کرده و مشت های کوبنده ای بر فرق وطنروشنایی که آزادی وطن و آرامش و حرمت مردم شریف را پایمال ساخته اند، بکوبم؛ از فجایع خلق و پرچم، سگ جنگیهای تنظیمی، متحجرین قرون وسطائی طالبان و دوران مصلحتگرایی کرزی تا هم اکنون، ادامه دارد. خوشبختانه این سروده های ناچیزم که من هیچگاه بر آن فخر نفروخته ام، همیشه مورد تائید و تشویق وطنداران نجیب و

قدرشناسم قرار گرفته و بارها مشوق بیش از پیشم گردیده اند و با محبت بی نظیر به من افتخار القاب مختلف بخشیده اند که در رد و قبول از آن القاب، نوشته های من در سایتها شاهد حال است. تفخیم این القاب مرا مصمم تر و نیرومند تر گردانیده است، تا درین راه، مساعی بیشتر به خرج بدهم و دردهای مردم را هر روز، به زبان خود مردم و با استعمال اصطلاحات دلنشین محلی رایج در وطن به خصوص در کابل عزیز، بسرایم. البته در جریان این نشر و انتشار سروده ها، کسانی هم بوده اند که ازین نوشته ها برداشتهای نادرستی هم کرده اند، چنانچه در گرماگرم انتخابات ۹۳ شعری در تقبیح از ائتلاف عبدالله با زلمی رسول و رفتن به بارگاه کرزی انشاد نمودم، آقائی با انتقاد از آن، مرا فاشیست و قومپرست خواند و با وصایای "عالمانه" به سکوت و ادامه عیاشی در اروپا توصیه نمود؛ شعری با ردیف "خدا خیر کند" داشتم، ناقدی مرا به دزدی ردیف متهم ساخت که چرا از شاعر مبتکر ردیف «خدا خیر کند» در شعر خود یاد نکرده ام. اینک سروده «در غزه آتش میبارد»، جنابی را برافروخته است، که «آذر» آسا، خود و مرا در آتش نمرود پرتاب کرده و استعمال کلماتی در آن شعر را، دال بر نافهمی من میداند، در حالی که اعمال جنون آمیز و یکه تازی تنتیاهو صدراعظم اسرائیل ایجاب میکند به دادش رسیده شود، تا ازین جنون خونخواری رهائی یابد و همچنان است کلمات راد و اتحاد در آن شعر که صفتی ست در خونخواری «یاهو» و اتحاد کمتر از ده ملیون نفوس یهود در برابر بی اتفاقی بیش از سه صد ملیون "اعراب". امیدوارم این نوشته آب سردی بر آتش آقای ناقد باشد، تا روغنی که به شعله آن بیفزاید :

نیست خوفی ز نور و نار کسی	ما نداریم انتظار کسی
نگذاریم بار بر دوشی	نپسندیم رنج بار کسی
ما قرار دل حزین خواهیم	وای بر جان بیقرار کسی
میسرائیم و شعر میخوانیم	تا مگر بشکند خمار کسی
بپذیرند اگر، زهی توفیق	ور نخواهند، اختیار کسی

حرف بدخواه "اسیر" گوش مکن
دشمن نیست در شمار کسی

باید تذکر بدهم که تمام مطالبی که به پورتال وزین "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" فرستاده میشوند، خواه منظوم و یا منثور، از نظر صائب ویراستاران پورتال گذشته و بعد از تصحیح و ویراستاری املائی، با املای یکدست، به نشر میرسند. اگر ناقد ایرادی بر طرز املائی کلمات دارد، لطفاً مشخص ساخته و به اداره این وبسایت معتبر بفرستد. یقین دارم که از طرف پورتال جوابی درخور ارائه خواهد گردید.

جهت ذهن نشین شدن مفاهیم در نزد ناقد محترم باید بگویم که ترکیب مصدری "به داد کسی رسیدن" از جمله لغات اضداد است، که در دو معنای متضاد به کار میرود. "داد" در لغت معنای "عدل" را میدهد، و تطبیق "عدل" در مورد ظالم و مظلوم خواهی نخواهی، مفهوم دوگانۀ متضاد را افاده میکند. زیرا برقرار ساختن "عدل" در قسمت مظلوم، گرفتن حق وی از ظالم است. و برقرار ساختن "عدل" در حد ظالم، معنای مجازات وی را میدهد.

البته ناقد باید خود فرق بین "به داد رسیدن" و "به داد کسی رسیدن" را میدانست، پیش ازین که دست و زبان به نقد و انتقاد دراز کند!!!!!!

در اخیر به غرض حسن ختام شعری را که با تضمین یک بیت از شعر غلام محمد طرزی، والد مرحوم محمود طرزی سروده شده و گویای درد دل «ناظم» است به حیث تکرار حسن تقدیم میکنم :

"درین زمانۀ پرفتنه، جای فریاد است" به هر طریق کنی جلوه، خُرده میگیرند اگر خموش نشینی، ز حلقه بیرونی اگر نشسته ای، گویند از چه بنشسته ست به طعنه گویند؛ بالای چشم او ابروست هزار قول و قرار از تو آرزو دارند مرا دلی ست پر ز غصه، و دران دل زار به زعم چند کس این چند شعر بیهوده ست نه آن مرا، ز ره طعنه میبرد از جا بلی، خوشم که ز بند غرور و استکبار (اسیر) صاف دلدل ما، تمام آزاد است	"که هرکه هرچه کند در محل ایراد است" به هر لباس کنی عشو، طعنه ایجاد است وگر اضافه بگوئی، به گوشها باد است وگر ستاده، بگویند از چه استاد است به طنز گویند؛ بنگر عجیب نراد است ولی قرار همه بی اساس و بنیاد است هر آنچه هست ازین جنس آدمیزاد است به فکر چند عزیزی، اسیر استاد است نه این به من در کبر و غرور بگشاد است
--	--

(م. نسیم (اسیر) - بن، المان، جون ۲۰۰۰ ع)

یادداشت پورتال:

استاد سخن، فخرالشعراء و ملک الشعراء محمد نسیم "اسیر"، یگانه ملک الشعرائی در تاریخ شعر و شاعری وطن عزیز ما میباشند، که به قوت رأی مستقیم مردم خود بدین لقب فاخر نائل گردیده اند. لطفاً از طریق لنک ذیل مراتب اعلان ملک الشعرائی استاد را از نظر بگذرانید:

<http://www.afgazad.com/Elaamyahhaa/012613-AA-AA-Entekhaab-e-Ostaad-Aseer-ba-Malek-o-Shoaraayee-Mobaarak-Baad.pdf>

اداره پورتال AA-AA